

*Research Article*

***Evidence and its effect in proving a crime in Islamic jurisprudence and  
Iranian law***

Javad salemi<sup>1</sup>, asghar arabiyan<sup>2</sup>, ali zare<sup>3</sup>

Received: ۲۰۲۵/۰۳/۲۲      Accepted: ۲۰۲۵/۰۶/۱۲

*The objectives of Sharia, based on the presumption that rulings follow benefits and harms, and considering their value analysis, are classified into various ranks and degrees. Each is defined according to its existential value within the systematic and coherent framework of Maqasidi jurisprudence. The environment is an issue whose functional role and normative position in creating favorable conditions for the realization and preservation of objectives, and achieving Sharia's noble goal of preserving and developing public interests while preventing harms, needs clear explanation. In this article, through a descriptive-analytical approach and using library resources, the role of environment in protecting religion, life, progeny, intellect and property - as Sharia's primary objectives - is examined. Due to its central and unique function as the existential and non-existential foundation for their realization, preservation and continuity, its position as an essential objective is proven. Its rank among necessities is determined at superior levels by understanding its degree of influence, such that other objectives are redefined beneath its level according to their relative importance. Accordingly, individual and social environmental rulings and subsequent legislation must be redefined according to this role and position and considered in practical measures. The innovative aspect of this study lies in presenting the environment as an infrastructural concept, explaining its existential-non-existential relationship with other objectives, proposing the inverted hierarchy of objectives, determining its supra-rank position, and considering this role and position in explaining individual, social rulings and legislation - representing a novel step in combining theory and practice in environmental jurisprudence.*

**Keywords:** *Environment, jurisprudence (fiqh), objectives (maqāsid), systematic framework, Sharia, benefits (maṣāliḥ), harms (maḥāsīd).*

<sup>1</sup> PhD student in Private Law, Department of Private Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

<sup>2</sup> Associate Professor of Private Law, Department of Private Law, Science and Research Branch of Islamic Azad University, Tehran, Iran.

<sup>3</sup> Assistant Professor of Private Law, Department of Private Law, Science and Research Branch of Islamic Azad University, Tehran, Iran.



دوفصلنامه علمی - پژوهشی مبانی فقهی حقوق اسلامی

سال ۱۷ • شماره ۲ • پاییز - زمستان ۱۴۰۳ • شماره پیاپی ۳۴

مقاله پژوهشی

نقش و جایگاه محیط زیست در هندسه فقه مقاصدی

جواد سالمی<sup>۱</sup>، اصغر عربیان<sup>۲</sup> علی زارع<sup>۳</sup>

چکیده

مقاصد شریعت با پیش فرض تبعیت احکام از مصالح و مفاسد، و با توجه به تحلیل ارزشی آنها به مراتب و درجات مختلفی دسته بندی می شوند که هرکدام به تناسب ارزش وجودی خود، تعریف می شوند که در هندسه فقه مقاصدی، که یک ساختار منظم و منسجمی را شکل می دهد. و محیط زیست مقوله ای است که در ایجاد شرایط مطلوب برای تحقق و حفظ مقاصد، و نیل به هدف والای شریعت، یعنی حفظ و توسعه مصالح عمومی و جلوگیری از مفاسد، نقش کارکردی و جایگاه هنجاری شفاف دارد. در این مقاله با رویکرد توصیفی - تحلیلی، و استفاده از منابع کتابخانه ای، به بررسی نقش محیط زیست در حفظ دین، نفس، نسل، عقل و مال، به عنوان مقاصد اصلی شریعت، و به دلیل کارکرد محوری و بی بدیل آن به عنوان بستر تحقق، حفظ و بقای آنها وجودا و عدما؛ و نیز تعیین جایگاه آن به عنوان یک مقصد ضروری اثبات شده، و رتبه آن در میان ضروریات با فهم و درک میزان تاثیر آن، در درجات فوقانی و در واقع فرارته ای تعیین می شود بگونه ای که دیگر مقاصد به نسبت میزان اهمیت آنها، در ذیل مرتبه آن بازتعریف می شوند. براین اساس احکام فردی و اجتماعی محیط زیست و به تبع قانونگذاری باید متناسب با این نقش و جایگاه بازتعریف، و در اقدامات عملی لحاظ شود. وجه نوآوری این سیاهه در ارائه مفهوم زیرساختی محیط زیست و تبیین رابطه وجودی و عدمی با سایر مقاصد، و نیز طرح هرم مقاصد، و تعیین جایگاه فرارته ای آن، و لحاظ کردن این نقش و جایگاه در تبیین احکام فردی، اجتماعی و قانونگذاری گامی نوین در تلفیق نظریه و عمل در فقه محیط زیست محسوب می شود.

کلیدواژه: محیط زیست، فقه، مقاصد، شریعت، مصالح، مفاسد

۱- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲- دانشیار حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳- استادیار حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

امروزه بحران‌های زیست‌محیطی مانند آلودگی هوا، کاهش منابع آب، تخریب جنگل‌ها و تغییرات اقلیمی، تهدیدی جدی برای بقای انسان‌ها و موجودات زنده به شمار می‌آید. این چالش‌ها نیازمند وجود راهکارهای مبتنی بر چارچوبی جامع و معقول هستند که بتواند حفظ محیط زیست را در سطحی قابل قبول و استفاده تضمین کند. در این میان، فقه مقاصدی به عنوان رویکردی که گزاره‌های فقهی را در ساختار و هندسه‌ای منظم و منسجم تعریف می‌کند، مدعی کارآمدی با تمرکز بر حفظ مقاصد کلان شریعت در فقه اسلامی است، اما با این حال، جایگاه محیط زیست در میان مقاصد شرعی، و میزان اهمیت آن در چارچوب فقه مقاصدی به‌طور دقیق مورد بررسی قرار نگرفته است.

اهمیت پرداختن به جایگاه محیط زیست در فقه مقاصدی، با توجه به نقش حیاتی آن در زندگی انسان، در ابعاد فردی و اجتماعی قابل بررسی است. از جنبه فردی، سلامت و بقای انسان‌ها به محیط زیست سالم و پایدار وابسته است و بدون آن، ادامه حیات سالم انسان‌ها به مخاطره می‌افتد و کیفیت زندگی کاهش می‌یابد. از جنبه اجتماعی، بحران‌های زیست‌محیطی با پیامدهایی مانند کمبود منابع طبیعی، ناپایداری اقلیم و آلودگی‌های گسترده، تهدیدی جدی برای عدالت و امنیت اجتماعی به شمار می‌آید و می‌تواند زمینه‌ساز مهاجرت‌های زیست‌محیطی، اختلافات بین جوامع و ملت‌ها گردد. از سوی دیگر، اسلام به‌عنوان یک دین جامع، اصول و راهکارهایی را برای حفظ منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست در تعالیم خود ارائه کرده است. این امر به مسئولیت‌های فردی و جمعی اشخاص در برابر منابع طبیعی و حفاظت از جهان خلقت اشاره می‌کند و از منظر فقهی، نه تنها به توسعه و پایداری، بلکه به تحقق عدالت و ارزش‌های الهی نیز کمک می‌کند.

تحلیل مقاصد شریعت این امکان را می‌دهد که به جای تکیه بر ظواهر مسائل، بر اصول و اهداف توجه شود و در نتیجه احکام و قواعدی را در راستای آن فهم و استخراج نمود که منافع واقعی و جامع را در پی داشته باشد. شناخت مقاصد اصلی شریعت این توانایی را می‌دهد که در استنباط احکام با رویکردی جامع و کارآمد عمل شود و پاسخ‌هایی دقیق و عملی برای مسائل جامعه ارائه گردد، و احکام فقهی توانایی انطباق با شرایط مختلف زمانی و مکانی را پیدا کنند و فقه را به سوی اجتهادی پویا هدایت نمایند. این چارچوب به فقیه اجازه می‌دهد با اعتماد و استناد به مقاصد و اهداف شریعت، اجتهاد را متناسب با مسائل جدید و مقتضیات عصر انجام دهد. و باعث می‌شود که بین احکام فقهی و اهداف اصلی شریعت، پیوند و هماهنگی ایجاد شود. این امر از تحمیل احکام بدون در نظر گرفتن اهداف و پیامدهای آن جلوگیری کرده و در نتیجه شریعت را به الگویی پویا و هدف‌محور تبدیل می‌کند که در راستای کمال و سعادت بشری حرکت می‌کند.

مسئله اصلی این است که چگونه می‌توان جایگاه محیط زیست را در فقه مقاصدی تبیین کرد و آن را به‌عنوان یکی از اهداف شریعت در نظر گرفت. همچنین، چه آثار و پیامدهای فقهی و حقوقی برای این جایگاه متصور است و تا چه اندازه می‌تواند به عنوان چارچوبی مؤثر برای هدایت جامعه در حفاظت از محیط زیست و مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی نقش آفرینی کند؟

این پژوهش با ارائه خوانشی نو از هندسه مقاصد، محیط زیست را نه به عنوان یک مقصد تبعی، بلکه به عنوان مقصد زیرساختی معرفی می‌کند که سایر مقاصد خمس در سایه آن معنا می‌یابند. و این نگاه، تحولی در مبانی فقه مقاصدی محسوب می‌شود. و برای اولین بار رابطه محیط زیست با مقاصد خمس را در قالب "رابطه وجودی و عدمی" تحلیل می‌کند. بدین معنا که محیط زیست شرط امکان تحقق سایر مقاصد است، نه صرفاً یکی از مصادیق آنها. و نوآوری این تحقیق در ارائه "هرم معکوس مقاصد" است که در آن محیط زیست به عنوان قاعده هرم، شرط تحقق تمامی مقاصد دیگر قرار گرفته و این ساختار، نظام سنتی ترتیب مقاصد را متحول می‌سازد. و همچنین از نظریه پردازی صرف فراتر رفته و الگویی ارزشی، حقوقی و عملیاتی را برای اجرایی سازی یافته‌ها پیشنهاد می‌دهد. در نهایت تمایز این پژوهش با آثار پیشین در این است که به جای نگاه ابزاری به محیط زیست، آن را مقصد مقاصد می‌داند؛ و نیز رویکرد سیستمی دارد و محیط زیست را در شبکه روابط علی-معلولی با تمام مقاصد تحلیل می‌کند؛ و از سطح توصیف فراتر رفته و به ارائه الگوی اجرایی می‌پردازد. این یافته‌ها می‌تواند مبنای انقلاب سبز در فقه تطبیقی قرار گیرد و پارادایم جدیدی در استنباط احکام زیست‌محیطی ایجاد کند.

## ۲. مبانی نظری

مبانی فقه مقاصدی شامل اصول و معیارهایی است که به تبیین و تنظیم احکام و قواعد فقهی در راستای تحقق اهداف و مقاصد شریعت می‌پردازد. در اینجا، به چند مورد از مبانی کلیدی فقه مقاصدی به عنوان پیش فرضهای لازم در راستای اثبات مدعا در این مکتوب اشاره می‌شود:

### ۲.۱. محیط زیست

ترکیب محیط زیست به معنای محل یا جایگاه زندگی گرچه از حیث لغت آلودگی هوا یا تخریب طبیعت را دربر نمی‌گیرد، اما امروزه این مفهوم توسعه یافته و شامل موضوعاتی مانند آب و هوا، جنگل‌ها، کوه‌ها، حقوق حیوانات و پرندگان، راه‌های جلوگیری از آلودگی هوا و مقابله با عوامل مخرب طبیعت می‌شود (کاتبی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۳۲۰). و به کلیه عوامل تهدیدکننده یا بهبودبخش محیط زندگی و آنچه که در فرآیند زیستن دخیل بوده و آن را احاطه کرده و با آن در کنش است، اطلاق می‌شود. در واقع مجموعه شرایط و عوامل خارجی موثر بر زیست، رشد و نمو و سلامتی انسان و سایر جانداران و گیاهان را شامل می‌شود که آغوشی را برای انسان در طول زندگی باز کرده که در آن بتواند هدف و مقصد والای خلافت الهی در زمین را محقق سازد (مشهدی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲). حفظ این منابع برای زندگی سالم انسان‌ها و حفظ تعادل اکوسیستم‌ها ضروری است. محیط زیست، به عنوان بستری برای رشد و توسعه و بالندگی جوامع بشری، نقشی حیاتی در تأمین نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی انسان دارد. و تصرفات مخرب، نظام طبیعی را مختل کرده و مانع از محقق شدن اهداف و غایات می‌شود.

### ۲.۲. مقاصد شریعت

افعال خداوند متعال به اقتضای حکمت، معلل به غایات است، و شریعت در معنای عام بُعد عملی دین، فعلی از مظاهر ربوبیت تشریحی پروردگار، دارای مقاصد، غایات و اهدافی است که هنگام وضع لحاظ شده، و اراده تحقق نتایج آن در نظام تشریح دنبال می‌شوند (نقیبی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۴؛ سبحانی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۱). مقاصدی بودن، بمعنای ابزار، توانمندی و شاخصهای کاربردی که فقیه را در بسیاری از معضلات فهم نصوص و کشف مراد، استنباط حکم و تنظیم مستنبطات در منظومه و هندسه فقه یاری می‌کند. حتی گاه بر اساس آنها، عملیات تصحیح، تعدیل و یا حتی تعطیلی برخی از احکام محل به نظام و ساختار صورت می‌گیرد (ویسی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۰).

رویکرد مقاصدی، متمرکز بر اهداف کلان شریعت است، و به جای تکیه بر احکام جزئی، به تحقق غایات اصلی دین، یعنی حفظ منافع عمومی و جلوگیری از مفاسد می‌پردازد. چراکه نص و عقل، بر هدفمند بودن احکام در اسلام دلالت دارند (ابن عاشور، ۱۴۲۱ق، ص ۱۸۰؛ علیدوست، ۱۳۸۴، ص ۱۲۶؛ شاطبی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۸؛ صدوق، ۱۳۸۵هـ ج ۱، ص ۲۴۸). و این رویکرد نیز بر سازگاری و موافقت نصّ مبین حکم در استنباط با نصوص مبین مقاصد استوار است، و اهداف شارع را در تفسیر نصوص لحاظ کرده، و نقش عقل قطعی که خود از ادله معتبر است را مورد توجه قرار داده، و در عین حال به منابع غیر معتبر واقعی نمی‌دهد، و از انضباط فقهی خارج نمی‌شود (علیدوست، ۱۳۸۴، ص ۱۳۷).

صرف تحلیل واژگانی و لفظی در این فرایند کارساز نبوده، بلکه بر اساس استقراء و کشف ارتباط، و ایجاد هماهنگی میان احکام جزئی و تنظیم آنها در یک ساختار منظم و منسجم و هدفمند بر اساس فهم و تفسیر نصوص، و با ارجاع فروع به اصول، و رد متشابهاً به محکّمات می‌توان کلیات شریعت را کشف و شناسایی کرده، و منظومه فقه را بر اساس آن ترسیم کرد. و یکپارچگی میان گزاره‌های شرعی در این هندسه خود یکی از مقاصد است و باید بر تمام جزئیات آن حاکم باشد (العلوانی، ۲۰۰۱م، ص ۱۲۵). در یک نگاه کلی می‌توان نصوص دینی را به دو قسم، نصوص بیانگر حکم وضعی یا تکلیفی، که در قالب گزاره‌های انشایی یا خبری با انگیزه انشاء؛ و نصوص بیانگر مقاصد کلی شریعت یا حکمت، که در قالب گزاره‌های خبری است،

تقسیم کرد (علیدوست، ۱۳۸۴، ص ۱۳۱)، و قسم دوم را مبنای کشف مقاصد قرار داد. و در فهم نصوص جزئی، نباید از مقاصد کلی غفلت کرد، بلکه در چارچوب و پرتو مقاصد کلی به فهم جزئیات پرداخت. و فروع را بر اصول، و جزئیات را بر کلیات، و متغیرات را بر ثوابت، و متشابهات را بر محکامات ارجاع داد؛ و در عین حال به نصوص قطعی الثبوت و قطعی الدلالة تمسک کرد. در نهایت با اعتبار و حجیت داشتن این رویکرد، این ظرفیت وجود دارد که بخش مهمی از چالش ها و معضلات در عرصه عملی کردن فقه در جامعه معاصر را برطرف ساخت و پاسخ متناسب برای هر نیاز مطروحه و مستحدث را بر این اساس داد.

### ۲,۳. تبعیت احکام از ملاکات

تبعیت احکام از مصالح و مفاسد در علم اصول مبتنی بر مبنای کلامی، که ناظر به اصل تعلیل افعال الهی به اغراض است، و اینکه فعل عبث از او صادر نمی شود و از مظاهر ربوبیت است، که بدون تردید دارای ملاک و دایر مدار مصالح و مفاسد هستند. که یکی از محورهای اساسی فقه مقاصدی است که تأثیر مستقیمی بر کیفیت استنباط احکام دارد. (حلی، ص ۱۱۹؛ سبحانی، ۱۳۸۱، ص ۶۵؛ شاطبی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۱۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۱ق، ص ۱۷۵؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۷ق، ج ۶، ص ۱۶۵؛ خوئی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۷).

با تأمل در ادله نقلی همچون خطبه پیامبر در حجه الوداع که فرمود (یا أَيُّهَا النَّاسُ، وَاللَّهِ مَا مِنْ شَيْءٍ يُفْرَبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَيُباعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَقَدْ أَمَرْتُكُمْ بِهِ، وَمَا مِنْ شَيْءٍ يُفْرَبُكُمْ مِنَ النَّارِ وَيُباعِدُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا وَقَدْ نَهَيْتُمْ عَنْهُ) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۴) و عقلی همچون دلیل امتناع ترجیح بلا مرجح در تشریح احکام در صورت عدم داشتن مصلحت و مفسدت قبل از آن، و نیز دلیل حسن و قبح افعال و تنزه افعال الهی از فعل عبث، دریافت می شود که احکام الهی بر پایه مصالح و مفاسد تشریح شده اند، به گونه ای که هر حکمی متضمن جلب منفعت یا دفع مفسدت است و بر اساس ذاتی بودن حسن و قبح افعال، تبعیت در متعلق اثبات می شود. که از مجموع آنها تواتر معنوی تبعیت احکام از ملاکات در متعلق بدست می آید.

این رویکرد با پیش فرض امکان کشف، فهم و شناخت ملاکات احکام بر اساس استقراء و سنت متواتر است (ابن عاشور، ۱۴۲۱، صص ۱۹۰، ۱۸۴، ۱۹۴؛ العلوانی، ۲۰۰۱، ص ۱۲۵؛ سیفی مازندرانی، بی تا، ج ۲، ص ۶۴)، که می توان بدون نیاز به احکام ثانویه و یا حکومتی، ظرفیت فقه را برای تطبیق در عرصه عینیت اجتماعی ارتقاء داد (ملایی و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۹۱). چراکه منع و ردعی از تفکر در علل احکام وارد نشده است و می توان با شیوه تنقیح مناطی، با کشف علت و الغای اوصاف و خصوصیات غیر دخیل در حکم، و تسری دادن به موارد مشابه، اقرار ضمنی به قابلیت فهم و درک علل و مقاصد را فهمید لذا گفته شد که "من حِکْمَةَ الشَّارِعِ أَنَّهُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُنِيطَ حُكْمًا بِحِكْمَةٍ، يَجْعَلُ لَهُ ضَابِطًا يُرْجَعُ إِلَيْهِ تَسْهِيلاً عَلَى الْمَكْتَفِينَ وَتَحْقِيقاً لِلْحُكْمِ" (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۴۱). البته نباید توهّم شود که عقل توانایی درک و فهم تمام مصالح و مفاسد احکام را دارد (مازندرانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۸۷).

و مصالح و مفاسد در احکام یا منصوص است که خود به نحو مستقل و مستقیم قابل دریافت است، و یا به نحو انّی، که تشریحات بر مبنای تبعیت از ملاکات، خود رهیافتی به مصلحت و مفسدت است، و یا بنحو لمّی، که از وجود مصلحت و مفسدت در متعلقات، احکام آنها قابل فهم و کشف است (ابن عاشور، ۱۴۲۱، ص ۱۹۶؛ لطفی، ۱۳۷۵، ص ۳۲۹). و تردیدی نیست که اهداف جزئی احکام، به اهداف کلی ختم می شوند (علیدوست، ۱۳۸۴، ص ۱۲۲) و این مانع از آن نیست که همه احکام را دارای مقاصد فرعی منتهی به غایات کلی دانست.

اشاعره و برخی از امامیه به تبعیت نوعی در طبیعت احکام باور دارند نه در تک تک افراد. و برخی تبعیت را در نفس اوامر و نواهی دانسته، نه در مأمور به و منهی عنه یا متعلقات آنها (آخوند خراسانی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۳۵۵). و برخی دیگر قائل به تفصیل بین احکام تکلیفی و وضعی شده، و مصالح احکام تکلیفی را در متعلقات، و مصالح احکام وضعی را در نفس جعل می دانند. و برخی دیگر به تبعیت در احکام کلی گرایش دارند و معتقد اند فقط احکام کلی تابع مصالح اند، نه احکام جزئی. و برخی دیگر در تبعیت احکام از ملاکات میان احکام واقعی و احکام ظاهری تفکیک کرده اند. باید در نظر داشت که عمده تقریرها و استدلالهای

طرفداران تبعیت احکام از مصالح و مفاسد، درباره همه احکام اعم از واقعی و ظاهری است در حالیکه ادله بیان شده این عمومیت را نمی رساند و ادعای شمولیت تقریر و استدلال دیگری می طلبد تا احکام ظاهری را دربر گیرد (مازندرانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۹۵؛ مرکز تحقیقات، ۱۴۳۰، ج ۵، ص ۲۰۶؛ علی اکبریان، ۱۳۹۵، ص ۱۷۷). چراکه خالی بودن احکام ظاهری از هرگونه مصلحت مسلّم مورد اتفاق همه علمای امامیه است (علی اکبریان، ۱۳۹۵، ص ۱۳۱). و به باور شهید صدر مصلحت مفروض در حکم ظاهری در حقیقت در راستای جلوگیری از فوت مصلحت حکم واقعی است و مصلحت امارات و اصول، تحفظ بر بیشترین و مهمترین مصالح احکام واقعی است (صدر، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۲۲).

اگرچه دیدگاه تبعیت تنها در احکام واقعی از پشتوانه‌های نقلی و عقلی برخوردار است، اما دیدگاه شمولی شهید صدر در احکام ظاهری نیز قابل تامل است و با نظاممند کردن همه احکام در چارچوب مصالح، از انسجام بیشتری برخوردار است. و با پذیرش هر یک از این دو دیدگاه می‌تواند در روش اجتهاد و مواجهه با مسائل جدید، و ترکیب این آندو می‌تواند راه‌حلی متعادل و پویایی در پاسخگویی به مسائل مستحدثه و نیازهای زمانه داشته باشد.

### ۳. جایگاه محیط زیست در نظام فقه مقاصدی

موقعیت، منزلت و مرتبه‌ی هر عنصر، از عناصر تشکیل دهنده نظام مقاصدی را باید با توجه به سطح تاثیر گذاری و اهمیت و ارزش وجودی آن نسبت به کل را تبیین شود. منزلت ساختاری هر عنصر بر اساس مبانی، روشها، شیوه ها، ادله و منابع قابل کشف و انتزاع، و در هندسه فقه ترسیم می شوند که ساختار منظمی را با توجه به این ترتیب، تنظیم می کنند.

#### ۳.۱. انواع مقاصد

برداشت های متعددی در خصوص انواع مقاصد وجود دارد. برخی مقصد عام را، حفظ نظام عمومی، حفظ نوع انسانی، عقل و موجودات عالم امکانی پیرامونی دانسته (ابن عاشور، ۱۴۲۱ق، صص ۴۱۴ و ۲۷۳)، و برخی مقاصد کلی را هدایت، تعلیم، صلاح، روشننگری، حق، رحمت، عدل، مساوات، قدرت نظام امت اسلامی، تعقل، آزادی، اخلاقمداری، وحدت و تکامل مندی؛ و گروهی دیگر عبادت، تزکیه نفس و عمران و آبادی زمین (العلوانی، ۲۰۰۱، ص ۱۴۵)؛ و دسته ای جلب مصالح و دفع مفاسد می دانند (ویسی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰). و برخی مقاصد شرعی را به ترتیب: دین، نفس، مال، نسل و عقل عنوان کرده اند (شاطبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۰) و دیگران نیز بدون تردید در هدفمندبودن شریعت، مقاصد را بر اساس مبانی اصولی خود در منابع، ادله و شیوه های کشف اهداف و حکم و مقاصد دین ترتیببندی های متفاوتی ارائه داده اند، نظیر فخر الدین رازی، نفس، مال، نسب، دین و عقل؛ و دیگر فقیهان مقاصدی نظیر آمدی، بیضاوی، ابن عاشور انظار و آرای بر اساس یافته های خود در این زمینه را اظهار کرده اند (ویسی، ۱۳۸۶، ص ۹۹). در این سیاهه مبنا را بر انواع مشهور پنجگانه شاطبی تنظیم خواهیم کرد در عین حال بایدگفت این مانع از آن نیست که رویکرد مقاله را بر دیگر دیدگاهها در انواع منطبق کرد.

و در عین حال باید گفت که مقاصد به اعتباری دیگر بر دو قسم کلی تقسیم می شوند مقاصد مطلوب بالذات یا بالأصالة، و مقاصد مطلوب بالغیر؛ صاحب القواعد والفوائد می نویسد: "متعلقات الأحكام قسما: أحدهما: ما هو مقصود بالذات، وهو المتضمن للمصالح والمفاسد فی نفسه. والثانی: ما هو وسیلة وطریق إلى المصلحة والمفسدة." (شهید اول، بیتا، ج ۱، ص ۶۰)؛ که محیط زیست در حقیقت از مقاصد نوع دوم است.

#### ۳.۲. مراتب مقاصد

مقاصد را باید بر اساس تحلیل واقعیت‌های عینی، و امکان کاربردی کردن احکام و ارزشهای دینی در متن زندگی و با عنایت به منابع، رتبه بندی کرد. این ترتیب بندی کمک می کند تا اجتهادی پویا و انعطاف پذیر را با شرایط زمانی و مکانی بدست آورد. بر اساس منابع معتبر، مقاصد برحسب مصلحت وجودی، دارای مراتب مختلفی از عالی به دانی است. و اهداف کلان به عنوان پایه های اصلی عمل می‌کنند، بگونه ای که هر حکم و قاعده‌ی شرعی که بتواند در تحقق آن اهداف سهیم باشد، به همان میزان در

منظومه فقه اهمیت و ارزش پیدا می کند. و علی المبنای بر حسب نیازسنجی انسان، مقاصد به سه طبقه ضروریات، حاجیات و تحسینیات قابل تقسیم هستند (العلوانی، ۲۰۰۱، ص ۷؛ النجار، ۲۰۰۸، ص ۴۶).

ضروریات، نیازهای حیاتی و اساسی، که قوام بخش مصالح دین و دنیا است بگونه ای که بدون آنها فساد و تباهی در دو بُعد دنیوی و دینی را به همراه خواهد آورد. حفظ آنها با حفظ اصل وجود آنها در اثربخشی و ثبات از حیث وجودی، و پیشگیری از عوامل مخل در کارایی و انعدامی آنها است. حفظ دین با ایمان، اقامه نماز، روزه، حج و نظایر آن محقق می شود؛ حفظ نفس و عقل با خوردن، آشامیدن، پوشاک و نظایر آن به مقداری که حفظ جان و عقل با آن محقق می شود، حفظ نسل و مال هم به همانگونه خواهد بود (شاطبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۸). در این مرتبه اصل مقاصد از حیث کمی مورد نظر است و نه ابعاد، جهات و گستره آنها از حیث کیفی، بلکه صرفاً جانب حفظ وجود به میزانی که مانع از انعدام آنها شود.

حاجیات، نیازهای مرتبط با رفاه، آسایش و توسعه در زندگی است که نبود آن تنها در غالب موجب سختی و مشقت شده، و نسبتاً زندگی مطلوب حاصل نمی شود، اما اثر مخرب و فساد ناشی از فقدان ضروریات را ببار نمی آورد. این مرتبه از مقاصد نیز در تمام ابعاد زندگی از عبادات تا معاملات بالمعنی الاعم را شامل می شود و نوعی گشایش در زندگی را به همراه می آورد. در بعد عبادی مثلاً در سفر نماز شکسته، و در بیماری و کهنسالی روزه مورد تخفیف واقع می شود. و در معاملات به معنای اعم مثلاً مباح بودن صید، بهره مندی از طیبیات، مباحات، مشترکات و غیره، از زمره این مرتبه تعریف می شوند (همان، ص ۲۱).

تحسینیات به اموری می پردازد که باعث زیبایی و بهبود زندگی می شوند و هرآنچه از محاسن و مکارم اخلاقی را شامل است و این مرتبه نیز در تمام ابعاد و جهات حیات ساری و جاری است (همان، ص ۲۲). در عبادات مثلاً تقرب به نوافل، و پرداخت صدقات، و در معاملات به معنای اعم پوشاک شیک و زیبا، خوردن طیبیات و خوراکی های لذیذ و مانند آن است. این مرتبه از مقاصد در حقیقت وجودش خوب و پسندیده است و عدم آن هیچ خللی را مانند ضروریات و حاجیات به همراه نمی آورد.

شهید اول از فقههای امامیه با بکارگیری واژه مصالح، آن را به پنج قسم تقسیم کرده "الشرع معلل بالمصالح، فیهی إما فی محل الضرورة، أو محل الحاجة، أو التتمة، أو مستغنی عنها، إما لقیام غیرها مقامها، وإما لعدم ظهور اعتبارها" (شهید اول، ۱۴۰۳، ص ۱۶۰) و در جای دیگری مصالح را به سه قسم ضروری، حاجی و تکمیلی تقسیم کرده و از دو قسمی که به دلیل جانشینی چیز دیگر و عدم ظهور اعتبارش، از آن بی نیاز شده اند سخنی نگفته است.

### ۱، ۲، ۳. درجات مراتب مقاصد

در فقه مقاصدی، هر نوع از مقاصد شرعی (اعم از ضروری، حاجی یا تحسینی) دارای درجات مختلفی از عالی به دانی است که بر اساس میزان اهمیت و ارتباط آن با اهداف کلان شریعت (مانند حفظ دین یا نفس)، شدت مصلحت یا مفسده در متعلق حکم، و تأثیر اجرا یا ترک آن در نظام فردی و اجتماعی تعیین می شود.

این درجات با توجه به نسبت و میزان مصلحت و مفسدت در متعلقات احکام رتبه بندی می شوند. برای شناخت کامل از نظام و ساختار منظومه فقه مقاصدی، فهم و درک درجات در هر یک از انواع مراتب، و شناخت اهم از مهم، در اتخاذ تصمیم در دو بعد نظری و عملی، و تقدیم هر یک بر دیگری، تأثیر بسزایی دارد؛ بدین صورت که در مرتبه ضروریات، حفظ نفس یک ضرورت است، اما این ضرورت در مواردی مانند حرمت قتل عمد (با مصلحت شدید) و جواز خوردن مردار در اضطرار (با مصلحت محدود) درجات متفاوتی دارد. و در مرتبه حاجیات، تسهیل در سفر و رخصت شکسته خواندن نماز، یک نیاز حاجی است، اما این نیاز در مقایسه با سایر تسهیلات شرعی ممکن است درجه پایین تری داشته باشد. و در مرتبه تحسینیات نیز، آداب لباس پوشیدن، یک امر تحسینی است، اما میزان تأکید شرع بر آن در مقایسه با دیگر مستحبات متفاوت است. هرچند اخلال در برخی از درجات پایین، لزوماً خللی در حکمت اصلی در آن مقصد موجب نمی شود (شاطبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۴)؛ مثلاً در قصاص، ضرورتی ندارد که حتماً انجام گیرد، بگونه ای که اگر صورت نگیرد، خللی در آن مقصد صورت گیرد؛ یا نماز جماعت که اگر برپا نشود، حفظ دین دچار زوال شود، اما قُرب به هدف کلان، به همان میزان، صورت نمی گیرد.

درجات مقاصد نشان می‌دهد که نه تنها بین مراتب سه‌گانه مقاصد (ضروریات، حاجیات، تحسینیات) تفاوت وجود دارد، بلکه در درون هر مرتبه نیز سطوح مختلفی از اهمیت مصالح قابل درک است. شناخت این درجات به فقیه و قانونگذار اسلامی کمک می‌کند تا در موارد تراجم احکام، بتواند مصلحت اهم را تشخیص دهد. و در سیاست‌گذاری‌های کلان، اولویت‌ها را بر اساس اهداف شریعت تنظیم کند. و در مواقع اضطرار یا تغییر شرایط اجتماعی، انعطاف‌پذیری لازم را در اجرای احکام داشته باشد. عدم توجه به این درجات ممکن است منجر به اخلال در نظام تشریح یا اجرای نادرست احکام شود. و به عبارت دیگر، فقه مقاصدی با ارائه این چارچوب دقیق، هم به حفظ و ثبات شریعت کمک می‌کند و هم به نیازهای متغیر جامعه پاسخ می‌دهد.

### ۳.۲.۲. ترتبی بودن مراتب مقاصد

با تامل و تحلیل مقاصد و مراتب آنها ترتبی قابل تصور است که در صورت اخلال در اصل وجود در مرتبه بالاتر، اخلال در مرتبه پایین تر را موجب می‌شود. بدین ترتیب که اگر در مرتبه ضروریات خللی ایجاد شود، لاجرم در حاجیات و تحسینیات خلل وارد می‌شود. این ترتب تنها از جانب عالی به دانی متصور است، و عکس آن چنین خللی را وارد نمی‌سازد؛ بدین بیان که خلل در تحسینیات خللی در حاجیات، و خلل در حاجیات، خللی در ضروریات نخواهد گذاشت. البته ممکن است به نوعی آن را تحت تاثیر قرار داده، و مانع از رسیدن به اهداف و غایات کامل شود. بر این اساس ریشه و اصل تمام مقاصد را باید ضروریات دانست، بگونه‌ای که قوام تمام آنها، به قوام ضروریات بستگی دارد؛ و در مراتب دیگر وجودا و عدما، دائر مدار ضروریات خواهند بود (همان، ص ۳۱).

غزالی مقاصد خمس را در دسته ضروریات می‌گنجاند (العلوانی، ۲۰۰۱، ص ۷) این دسته بندی مناسب برای تحلیل و تفسیر شریعت را فراهم می‌آورد (نقیبی، ۱۳۹۶، ۲۲۴) و شأنت تنظیم احکام جزئی، و تولید آن در بستر نیاز، در ابعاد و زوایای مختلف در چارچوب نظام مقاصدی، و مطابق و موافق با کلیات شریعت را به ارمغان می‌آورد (العلوانی، ۲۰۰۱، ص ۱۳۹). مقاصد کلی در واقع به مثابه قواعد در قانون اساسی هستند که قوانین عادی آیین نامه‌ها، بخشنامه‌ها، دستورالعملها و تمام مراتب بعدی باید ناظر، مطابق، هماهنگ و همسو به آنها باشند.

### ۴. نقش محیط زیست در نظام فقه مقاصدی

با تدبر در ادله نقلی از تخریب زمین و متعلقات آن، به فساد تعبیر شده و از آن نهی شدید شده است (وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا) (اعراف، ۵۶) و نیز (كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ) (بقره، ۶۰) و (وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ) (قصص، ۷۷) و (وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ) (بقره، ۲۰۵) و نیز با کنکاش در منابع روایی احادیث کثیری در این موضوع یافت می‌شود از جمله: امام صادق (ع) فرمود: لَا تَطِيبُ الْأَسْكُنَى إِلَّا بِثَلَاثٍ: الْهَوَاءِ الطَّيِّبِ وَالْمَاءِ الْعَذْبِ وَالْأَرْضِ الْخَوَّارَةَ. (حرانی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۲۰) زندگی با سه چیز گوارا می‌شود: هوای پاک، آب فراوان گوارا و زمین نرم و آماده کشت. و نیز در روایتی فرمود: لَا تُفْسِدُ عَلَى الْقَوْمِ مَاءَهُمْ. (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۱۱) و نیز فرمود: لَا تَقْطَعُوا الثَّمَارَ، فَيَبِغِثَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْعَذَابَ صَبًّا (حعاملی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۳۹)؛ از تناسب صدر و ذیل آیات ناهی از فساد در طبیعت، و نیز روایات وارده در ذیل آنها که از واژگان اکل، شرب، حرث و نسل استفاده شده، نهی فساد استفاده می‌شود، و حتی تهدید به عذاب در صورت تخریب، نشان از اهمیت آن در این نظام دارد.

کارکرد، اثرگذاری و تأثیر عملی محیط زیست در تحقق اهداف کلی و جزئی شریعت قابل انکار نیست و اساسا بدون آن امکان تحقق سایر مقاصد ممکن نخواهد بود و نقش مقدمی، تسهیل کننده و بسترسازی آن در این نظام بدین بیان است که محیط زیست به عنوان یکی از ارکان حیاتی، نقشی بنیادین و بی‌نظیری در ایجاد شرایط مطلوب برای دستیابی به اهداف کلان شریعت دارد؛ بگونه‌ای که اگر آسیبی به آن وارد شود، تمام متعلقات حیات را تحت شعاع قرار داده و به جان، عقل، نسل، مال و دین انسان آسیب وارد می‌کند (شاطبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۲؛ شهید اول، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۰). بر این پایه همه چیز در چرخه بزرگ محیط زیست دارای نقش و اثر در بقای حیات مطلوب دارد بگونه‌ای که از بین بردن یا تلف برخی از عناصر آن بصورت غیر

هدفمند و بدون در نظر گرفتن مصلحت، فعلی عبث و ناشایست است که در آموزه های شرعی از آن به شدت نهی شده (بقره، ۲۰۵) و باعث خلل و فساد در این نظام می شود.

حال به طور دقیقتر در مورد نقش و کارکرد محیط زیست در مقاصد خمس را بیان می شود.

#### ۴.۱. نقش محیط زیست در حفظ نفس

سلامت جسمی و روانی انسان ها به کیفیت محیط زیست وابسته است و آلودگی ها، تخریب منابع طبیعی، و تغییرات زیست محیطی تهدیدی مستقیم برای حیات و بقای آن ها به شمار می روند. مثلا غلظت بالای ذرات در توفانهای گردوغباری باعث سینوزیت، برونشیت، آسم و آلرژی و صدمه به عملکرد دفاعی ماکروفاژها می شود که منجر به افزایش عفونتهای بیمارستانی می گردد (آرامی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۵۰). از این رو، حفاظت از محیط زیست نه تنها یک وظیفه اجتماعی، بلکه یک تکلیف شرعی است که در راستای صیانت از جان انسان ها تأکید شده است. از منظر فقه اسلامی، هرگونه اقدامی که به آلودگی هوا، آب، یا زمین منجر شود و سلامت انسان ها را به خطر اندازد، ممنوع است و عاملان آن مسئول شناخته می شوند. حفظ محیط زیست همچنین تضمینی برای بهره برداری پایدار از منابع طبیعی است که برای تأمین نیازهای انسانها ضروری است. بنابراین، در راستای تحقق هدف والای حفظ نفس، محافظت از محیط زیست به عنوان یک وظیفه دینی، اخلاقی و اجتماعی ضروری است.

#### ۴.۲. نقش محیط زیست در حفظ نسل

حفظ نسل، به عنوان یکی از مقاصد اصلی شریعت، وابسته به محیط زیست سالم است که منابع حیاتی نظیر آب، خاک، هوا و تنوع زیستی را برای بقای نسل های آینده فراهم می آورد. آلودگی و تخریب این منابع می تواند سلامت نسل ها را تهدید کرده و بیماری های مزمن و نقص های ژنتیکی را افزایش دهد (حاجی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۵۲). محیط زیست سالم، علاوه بر تأمین نیازهای اساسی، بستری برای آموزش نسل های آینده در راستای حفاظت از منابع طبیعی و رفتارهای پایدار فراهم می سازد. از این رو، حفاظت از محیط زیست به عنوان وظیفه ای شرعی و اخلاقی، ضامن بقای نسل ها و تضمین کننده آینده ای پایدار است.

#### ۴.۳. نقش محیط زیست در حفظ مال

مال در نگاه شریعت دارای جایگاه مهمی است که قوام کارها و فعالیتها و برآورده شدن نیازها به آن است. محیط زیست سالم به عنوان یکی از دارایی های عمومی، نقش کلیدی در حفظ مال و تأمین معیشت جوامع ایفا می کند و از منظر فقه اسلامی، حفظ آن در راستای حفظ مال قرار می گیرد (النجار، ۲۰۰۸، ص ۱۸۹). منابع طبیعی مانند آب، هوا، جنگل ها، حیوانات سرمایه هایی حیاتی اند که تخریب آن ها می تواند منجر به خسارات سنگین اقتصادی و اجتماعی شود. مثلا غبار اتمسفری مانع از نفوذ نور خورشید شده و می تواند منجر به کاهش تولیدات کشاورزی به میزان ۵ تا ۳۰ درصد می شود (آرامی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۵۱). اصول فقهی مانند لاضرر، اتلاف، تسبیب، اختلال نظام و عدالت بر مسئولیت افراد و جوامع در حفاظت از این منابع تأکید دارند. این اصول، ضمن جلوگیری از آسیب به منابع طبیعی، بر جبران خسارات وارد شده و توزیع منصفانه منابع تأکید می کنند. بدین ترتیب، حفاظت از محیط زیست نه تنها تضمین کننده رفاه فعلی، بلکه ضامن حقوق نسل های آینده و توسعه پایدار است (بیومی الرخ، ۱۴۴۱، ص ۱۴۷۹).

#### ۴.۴. نقش محیط زیست در حفظ دین و عقل

محیط زیست سالم نقشی اساسی در تحقق مقاصد حفظ دین و عقل دارد. و بستری مناسب برای رشد معنوی و انجام عبادات فراهم می کند، و آرامش روانی و سلامت جسمی انسان را تقویت می کند (شاطبی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۲؛ کاتبی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۳۲۴). دین در بعد نظری و عملی که در ساحت زندگی انسان نقش آفرینی می کند (تدبیر و التزام) به عنوان یکی از مقاصد شریعت است (النجار، ۲۰۰۸، ص ۶۳). حفظ دین به معنای تأمین و تضمین حراست از ایمان، تعلیم، ارزش ها و آموزه های عملی دینی در سطح فردی به معنای پایبندی به اصول و احکام، انجام عبادات و تقویت اعتقادات با هدف تقرب به خداوند و

جولوگیری از لغزش‌ها و انحرافات اخلاقی فراهم کند. و در بعد اجتماعی به معنای ایجاد فضایی که در آن دین بتواند به عنوان یک نهاد اجتماعی و فرهنگی حضور داشته و در ساختارهای اجتماعی نفوذ کند و مردم در آن بتوانند به ارزش‌های دینی پایبند بمانند و نسل‌های آینده در این فضا پرورش یابند. از سوی دیگر، محیط زیست سالم برای حفظ و تقویت عقل، اهمیت ویژه‌ای دارد. محیط‌های سالم به کاهش استرس، تقویت خلاقیت، بهبود سلامت جسمی و روانی و ارتقای توانایی‌های فکری کمک می‌کنند. محیط طبیعی و پاک شرایط یادگیری و تبادل افکار را تسهیل کرده و تفکر انتقادی و مسئولیت اجتماعی را در افراد تقویت می‌کند. بنابراین، حفاظت از محیط زیست به عنوان یک وظیفه دینی و اجتماعی، زمینه‌ساز تعالی عقل و پیشرفت جامعه در ابعاد علمی، فرهنگی و اجتماعی است.

۱۰

## مسئله فقهی حقوق

با روشن شدن نقش و تاثیر محیط زیست در زندگی و ارتباط آن با دیگر مقاصد، برخی آن را از مصادیق حاجیات آورده (بیومی الرخ، ۱۴۴۱، ص ۱۴۵۳)؛ و برخی آن را در زمره ضروریات معرفی کرده است (النجار، ۲۰۰۸، ص ۲۰۹). اما با تامل در حقیقت محیط زیست و نقش بی بدیل آن بعنوان بستر تحقق مقاصد خمسه بعنوان مقاصد اصلی شریعت یعنی حفظ جان، عقل، نسل، مال و حتی دین، بگونه ای که مقاصد خمسه دایره مدار محیط زیست است بنابر این باید جایگاه آن را در مرتبه ای مافوق مقاصد خمسه بازتعریف کرد و آن را بعنوان مقصدی ضروری و مستقل و کلان در نظر گرفت (وَالْأَرْضَ مَدَدْنَا هَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ) (حجر، ۱۹-۲۰) حیات انسان در بستر محیط زیست قابل تحقق و بقاء است. شاطبی تلویحاً نوشته است "فلو عُدَمَ الدِّينَ عَدَمَ تَرْتُّبِ الْجَزَاءِ الْمَرْتَجِي، ولو عُدَمَ الْمَكْلَفَ لَعُدَمَ مَنْ يَتَدَيَّن، ولو عُدَمَ الْعَقْلَ لَارْتَفَعَ التَّدَيَّن، ولو عُدَمَ النَّسْلَ لَمْ يَكُنْ فِي الْعَادَةِ بَقَاء، ولو عُدَمَ الْمَالِ لَمْ يَبْقَ عَيْش، ...، فلو ارتفع ذلك لم يكن بقاء، وهذا كله معلوم لا يرتاب فيه من عرف ترتيب أحوال الدنيا، وأنها زاؤ للآخره" (شاطبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۲).

## ۵. نتیجه گیری

این پژوهش با تحلیل نقش محوری محیط زیست در نظام مقاصد شریعت نشان می‌دهد که محیط زیست نه تنها بستری ضروری برای تحقق مقاصد پنج‌گانه (دین، نفس، نسل، عقل و مال) محسوب می‌شود، بلکه به دلیل تاثیر وجودی و عدمی آن در بقا و زوال این مقاصد، کارکردی بی‌بدیل دارد. به عبارت دیگر، محیط زیست سالم شرط لازم برای تحقق هر کدام از این اهداف است، به گونه‌ای که تخریب آن، مستقیماً بقا و کارآمدی آنها و سایر مقاصد فرعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

یافته‌های این تحقیق اثبات می‌کند که اهمیت محیط زیست و میزان نقش و تاثیر آن، تا حدی است که جایگاهی فراتر از سایر مقاصد پیدا می‌کند و سایر اهداف متناسب با درجه وابستگی آنها به آن بازتعریف می‌شوند. و به عنوان یک مقصد ضروری فرارته‌ای در هندسه فقه مقاصدی قرار می‌گیرد. بدین بیان که این جایگاه به دلیل سهم بی‌نظیر آن در ایجاد مصالح عمومی و جولوگیری از مفاسد گسترده، آن را در رتبه‌ای بالاتر از سایر ضروریات قرار می‌دهد. در نتیجه، سایر مقاصد باید متناسب با وابستگی وجودی خود به محیط زیست بازتعریف شوند.

و بر اساس جایگاه فرارته‌ای و نقش زیرساختی محیط زیست، باید تمام احکام فردی و اجتماعی مرتبط با آن بر مبنای اولویت حفاظت از اکوسیستم‌ها بازنگری شوند. و قوانین موضوعه می‌بایست به آن به عنوان یک حق بنیادین، ضمانت‌های اجرایی متناسب برای صیانت از آن ایجاد کنند.

- ۱- آرامی، سید عبدالحسین، اونق، مجید، محمدیان بهبهانی، علی، اکبری، مه‌ری، زراسوندی، علیرضا. (۱۳۹۷). **تحلیل مطالعات مخاطره گرد و غبار در جنوب غرب ایران** در دوره ۲۲ ساله، نشریه تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، سال پنجم، شماره ۱، بهار.
- ۲- ابن عاشور، محمدطاهر، (۱۴۲۱ق) **مقاصد الشریعة الاسلامیة**، نشر دارالفنایس، اردن، چاپ دوم.
- ۳- آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۲۸)، **کفایة الاصول**، تحقیق و تعلیق زارعی سبزواری، نشر جامعه مدرسین، قم، چاپ چهارم.
- ۴- العوانی، طه جابر، (۲۰۰۱م) **مقاصد الشریعة**، نش دار الهادی، بیروت، چاپ اول.
- ۵- النجار، عبدالمجید، (۲۰۰۸م) **مقاصد الشریعة بأبعاد جدیدة**، نشر دارالغرب الاسلامی، بیروت، چاپ دوم.
- ۶- بیومی الرخ، احمد محمد، (۱۴۴۱ق) **المحافظة علی البیئة فی ضوء مقاصد الشریعة الاسلامیة**، العدد الثانی، ربیع الاول ۲۰۱۹م.
- ۷- حاجی ور، یوسف محمد حسینی، میرزایی، جمشید، موسوی، سید ابراهیم، (۱۴۰۰) **تاثیر ریزگردها بر سلامت جامعه و تحقق مسئولیت مدنی دولت در حقوق ایران**، مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، دوره ۳۱، شماره ۱، بهار.
- ۸- حلی، حسن ابن یوسف، (۱۳۷۹). **شرح باب حادی عشر**، شارح فاضل مقداد حلی، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، ناشر دفتر نشر نوید اسلام، قم، چاپ هفتم.
- ۹- حلی، حسن ابن یوسف ابن مطهر اسدی. (۱۴۲۰ق). **تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة**، نشر موسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، قم.
- ۱۰- حرانی، ابن شعبه، (۱۳۶۳)، **تحف العقول**، با تعلیقه علی اکبر غفاری، نشر جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم.
- ۱۱- حرعاملی، محمد بن الحسن، (بی تا). **وسائل الشیعة**، ناشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث - قم.
- ۱۲- خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۳۶۸) **اجود التقریرات**، نشر کتابفروشی مصطفوی، قم، چاپ دوم.
- ۱۳- سبحانی، جعفر، (۱۳۸۱) **محاضرات فی الالهیات**، نشر موسسه امام صادق (ع)، چاپ ششم، قم.
- ۱۴- سبحانی، جعفر، (۱۳۸۳) **أصول الفقه المقارن فیما لا نصّ فیہ**، نشر موسسه امام صادق (ع)، قم، چاپ اول.
- ۱۵- مازندرانی، سیفی، علی اکبر، (بی تا) **البراهین الواضحة فی عقاید الإمامیة علی ضوء العقل و الكتاب و السنة**، نشر جامعه مدرسین، قم، چاپ اول.
- ۱۶- مازندرانی، سیفی، علی اکبر، (۱۴۲۹ق). **بدايع البحوث فی علم الأصول**، نشر جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم.
- ۱۷- شاطبی، أبو إسحاق إبراهيم بن موسی. (۱۴۱۷ق)، **الموافقات**، ناشر دار ابن عفان، عربستان، چاپ اول.
- ۱۸- شهید اول، محمد بن مکی عاملی، (۱۴۰۳ق)، **نزد القواعد الفقهیة علی مذهب الإمامیة**، ناشر کتابخانه مرعشی نجفی، قم، چاپ اول.

۱۹- شهید اول، محمد بن مکی عاملی، (بی تا)، القواعد والفوائد فی الفقه والأصول والعربیة، ناشر مکتبۃ المفید، قم، چاپ اول.

۲۰- شهید ثانی، زین الدین علی جبعی عاملی، (۱۴۲۱)، رسائل شهید ثانی، نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، ۱۴۲۱ق، چاپ اول.

۲۱- صافی گلپایگانی، علی، (۱۴۲۷ق) ذخیره العقبی فی شرح العروه الوثقی، نشر گنج عرفان، چاپ اول، قم.

۲۲- صدر، محمد باقر، (۱۴۰۶). دروس فی علم الاصول، نشر دار الکتب اللبنانی، بیروت، چاپ دوم.

۲۳- صدوق، محمد ابن علی، (۱۳۸۵هـ). علل الشرایع، نشر المکتبۃ الحیدریه، نجف اشرف.

۲۴- علی اکبریان، حسنعلی (۱۳۹۵)، درآمدی بر فلسفه احکام، ناشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، قم.

۲۵- علیدوست، ابوالقاسم، (۱۳۸۴) فقه و مقاصد شریعت، مجله فقه اهل بیت، شماره ۴۱.

۲۶- کاتبی، محمدحسین، پورقصاب امیری، علی، بهنیافر، احمدرضا. (۱۴۰۱)، مجله: مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۹.

۲۷- کلینی، محمد ابن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.

۲۸- لطفی، اسدالله، (۱۳۷۵). تعقل و تعبد در احکام شرعی، مجله کاوشی نو در فقه، شماره ۷ و ۸.

۲۹- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۶). ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، نشر کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ اول.

۳۰- مشهدی، علی، (۱۳۸۹). ترمینولوژی حقوق محیط زیست، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول.

۳۱- ملایی، محمدرضا، رهدار، احمد، میراحمدی، منصور، (۱۴۰۰). تبیین ظرفیت های فقه مقاصدی در پشتیبانی از نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۸، پاییز، شماره ۶۶.

۳۲- نقیعی، سید ابوالقاسم، (۱۳۹۶). مقاصد شریعت و جایگاه آن در استنباط حکم شرعی، مجله پژوهش های فقهی، شماره ۲، تابستان.

۳۳- ویسی، زاهد، (۱۳۸۶). نظریه مقاصد الشریعه یا اهداف دین؛ راهی برای گذار از آفات و آسیب های دین ورزی و دین پژوهی، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۴۴، پاییز.